

طراحی الگوی فرایندی نظام برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده در شهر اسلامی - ایرانی با رویکرد آینده‌پژوهی*

محمد رحیم عیوضی^{**}، ناصر براتی^۲، احمد پور احمد^۱، عین الله کشاورز ترک^۴

^۱ استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

^۲ دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

^۳ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

^۴ دکتری آینده‌پژوهی، استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۴

چکیده

آینده‌پژوهی ارتباطی دو سویه‌ای با انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ‌م‌لت‌ها دارد. از این حیث ریشه‌یابی نسبت بین برنامه‌ریزی و فرهنگ در نظام توسعه شهری با رویکرد آینده‌پژوهی ضرورت می‌یابد. هدف از تشریح این نسبت نیز چشم‌انداز آینده‌ای مؤید نظام شهری با مختصات و نمادهای اسلامی - ایرانی است. با توجه به هدف مقاله که تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده در شهر اسلامی - ایرانی است، روش تحقیق کیفی - کمی برای آن برگزیده شده است. پژوهش حاضر دارای دو بخش اصلی است، در گام اول مبانی روش‌شناختی تدوین الگوی بومی بر مبنای پیوند فرهنگ و برنامه‌ریزی تدوین شده است. بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده نیازمند ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای هستیم. این ساختارها در ابعاد سطح کلان شامل تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور و رصد فرهنگی بر مبنای مزیت‌های منطقه‌ای است. سطح تحلیل شهر نیازمند برنامه جامع با رویکرد آینده‌پژوهی است که نظام مدیریت شهری نیز باید با آن منطبق و چشم‌انداز شهر بر اساس مبانی سیستم فرهنگی‌شده تدوین شود. ورود فرهنگ در متن برنامه‌ریزی در سطوح مکانی و مقیاس‌های مختلف زمانی می‌تواند به تحقق الگوی اسلامی - ایرانی کمک نماید. سپس در گام دوم، کاربرد مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی در راستای تدوین الگوی فرایندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده در نظام توسعه شهری بر مبنای مدل‌یابی ساختاری تفسیری، تجویز شده است. در این الگو، ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری بر مبنای عدم توجه به دو مؤلفه فرهنگ و آینده‌پژوهی تحلیل و سپس ارتباط و پیوند سطح تحلیل شهری، منطقه‌ای و ملی در گام‌هایی مشخص و تبیین شده است.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده، شهر اسلامی - ایرانی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای عین الله کشاورز ترک با عنوان «جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی در نظام توسعه شهری با رویکرد آینده‌پژوهی» می‌باشد.

** E-Mail: eivazi@soc.ikiu.ac.ir

روش تحقیق کیفی تشخیص داده شد. در این مرحله مبانی نظری تدوین شده است. برای گام دوم کاربرد مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی فرهنگی تدوین الگوی سیستم فرایندی بر مبنای مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تبیین و تحلیل شده است. اطلاعات به دست آمده از خبرگان با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)^۱ تحلیل شده‌اند. مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های طراحی سیستم‌ها، به ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است. مدل‌سازی ساختاری تفسیری، رویکردی است که با بهره‌گیری از ریاضیات، رایانه، و نیز مشارکت متخصصان، به طراحی سیستم‌های بزرگ و پیچیده می‌پردازد (warfield, 1976: 345).

مدل‌سازی ساختاری تفسیری توسط وارفیلد (۱۹۷۴، ۱۹۷۶، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲) معرفی و توسعه داده شد. این تکنیک، افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد که روابط پیچیده بین تعداد زیادی عناصر را در موقعیت پیچیده تصمیم‌گیری ترسیم کند (charan & etal, 2008: 368). این تکنیک، مدل‌های ذهنی ناپیوسته و غیرشفاف را به مدل‌های قابل مشاهده خوب و تعریف شده تبدیل می‌کند (sage, 1997). این تکنیک می‌تواند به عنوان ابزاری برای نظم بخشیدن و جهت دادن به پیچیدگی روابط بین متغیرها عمل کند.

روش نمونه‌گیری در این گام، نمونه‌گیری هدفمند است. خبرگان مختلفی برای پوشش دادن به این معیارها و شاخص‌ها بررسی شدند که در نهایت مشخص شد با ۱۲ تن از خبرگان تمام شاخص‌های تخصصی و کیفی پوشش داده می‌شود. تعداد اعضای کمیته شرکت‌کننده در مدل‌سازی ساختاری تفسیری بین ۴ تا ۱۴ نفر پیشنهاد شده است. بررسی بر روی تحقیقاتی که روش‌شناسی مدل‌سازی ساختاری تفسیری را انتخاب کرده‌اند، این امر را تأیید می‌نماید (اصغریور، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

مفاهیم و مبانی برنامه‌ریزی و فرهنگ

برنامه‌ریزی به تنهایی از پویایی کافی برخوردار نیست. با توجه به توسعه علم و فناوری و کاهش توجه به انسان در عصر مدرن، ماهیت برنامه‌ریزی را در تقابل با انسان معاصر قرار داده و از پویایی آن کاسته است. هنگامی که به بررسی تکامل مکاتب مدیریت و برنامه‌ریزی می‌پردازیم در می‌یابیم سیر تکامل به سوی توجه به نیازهای انسانی پیش رفته است. از سوی دیگر به پیچیدگی‌ها و توسعه فناوری توجه دارد. حال سرعت توسعه فناوری‌های نو به اندازه‌ای است که میزان توجه به مبانی انسانی در مقابل آن ناچیز و کم رنگ است و حس می‌شود که منشاء برنامه‌ریزی برای فناوری است نه انسان، که نشان از عدم پویایی برنامه‌ریزی در عصر مدرن دارد.

از سوی دیگر عاملی که می‌تواند این پویایی را احیا نماید فرهنگ برخاسته از انسان و سیر تکاملی او است. در رویکرد ایرانی اسلامی ورود مبانی فرهنگی و اخلاقی در نظام برنامه‌ریزی

فرهنگ مفهومی است که از پیچیدگی بالایی برخوردار است، و برای فهم آن نیازمند ساده‌سازی و شفاف‌سازی هستیم. این ساده‌سازی در تحقیق بر اساس تعریف فرهنگ، تبیین کارکردها و شیوه عمل در قلمرو مکانی و زمانی صورت می‌پذیرد. از این رو، بر مبنای پیچیدگی بالای آن از بعد موضوعی، به صورت لایه‌ای تعریف شده است. از بعد «زمان»، گذشته، حال و آینده را در بطن خود دارد. لایه اعتقادات و باورها، ریشه در گذشته، لایه رفتارها بر مبنای کارکردهای فرهنگ، ریشه در زمان حال و لایه ارزش‌ها، مطلوبیت فردی و اجتماعی ریشه در زمان آینده دارد؛ به طور مثال در حوزه روش‌های آینده‌پژوهی، اخذ نظر خبرگان در روش‌هایی مانند طوفان فکری، دلفی، سناریو و ... در جهت تبیین آینده‌های مطلوب اشاره به لایه ارزش‌ها و مطلوبیت فردی (آینده) دارد. در جمع‌بندی «فرهنگ» عبارت است از رفتارهایی که بر پایه اعتقادات و باورها برای خلق و تقویت ارزش‌ها در سه بعد زمانی گذشته، حال و آینده صورت می‌پذیرد. با این رویکرد، تعریف ویلیامز از فرهنگ به عنوان «روش کلی زندگی» قابل تحلیل است که زندگی بر مبنای اعتقادات و باورها در جهت آینده‌سازی بر پایه ارزش‌ها و رفتارهای روزمره افراد به دست می‌آید (willamas, 1966).

با وجود رویکردها و روش‌های متعدد مرتبط با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی (Bianchini, 1999)، اکنون الگوی فرآیندی که بتواند به صورت گام به گام، سطح تحلیل شهر و ملی را پیوند دهد وجود ندارد؛ لذا مسأله اصلی عبارت از تبیین الگوی فرایندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری با رویکرد آینده‌پژوهی است، که با ساختار اجرایی کشور نیز قابلیت انطباق داشته باشد. برای پاسخ‌گویی به مسأله تحقیق، ابتدا رویکردها و روش‌های مختلف کاربردی شناسایی و بررسی شدند. سپس این مبانی و روش‌ها با مدل‌سازی ساختاری تفسیری، با هم ترکیب شدند. حال در ارتباط با مسأله فوق سؤال این است که الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری بر پایه مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی چه مختصاتی دارد؟ برای تبیین این پرسش و تشریح مسأله، نیازمند بررسی و تحلیل مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی هستیم. زیرا مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی می‌تواند امکان تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری را فراهم نماید. نتیجه پژوهش، عبارت است از طراحی الگوی سیستم فرایندی برنامه‌ریزی فرهنگی شده که نظر خبرگان آن را تأیید می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف مقاله که تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده در شهر اسلامی - ایرانی است، روش تحقیق کیفی - کمی برای آن برگزیده شده است. پژوهش حاضر دارای دو بخش اصلی است. بخش بررسی و تحلیل مبانی نظری برای گام اول، مناسب‌ترین

برای ارائه منطقی برای تغییر ساختار برنامه‌ریزی، می‌توان از دو مؤلفه فرهنگ و آینده‌پژوهی که تعامل دو سویه دارند، بهره جست. فرهنگ زمینه بنیادی تمامی اشکال برنامه‌ریزی است. این رویکرد کلید حل مشکل نظریه برنامه‌ریزی است. ارتباط فرهنگ و آینده‌پژوهی، بیش‌تر به نظریه برنامه‌ریزی مربوط می‌شود و این کار از طریق دیدگاه‌ها و تأکید عملی و جمعی بر جایگاه نظری تئودرن و دیدگاه تفسیری نظریه برنامه‌ریزی پست مدرن، ارتباطی انجام می‌پذیرد. هیچ کدام از این مکاتب اصلی به طور منسجم با فرهنگ سرو کار ندارند، لذا ابتدا باید با روشن سازی مفاهیم مدرنیته و پست مدرنیته نسبت به نظریه برنامه‌ریزی، مبحث را آغاز کنم تا نه تنها زمینه‌ای توصیفی، بلکه زمینه‌ای انتقادی برای بازنگری ارائه‌شده، ایجاد گردد. در این راه رویکرد آینده‌پژوهی با توجه به تأکید بر مبانی روشی و معرفتی می‌تواند کمک نماید.

فلسفه فرهنگ و آینده‌پژوهی

فلسفه فرهنگ را می‌توان، «دانش عهده‌دار تبیین، تحلیل و تعلیل عقلانی احکام کلی فرهنگ» دانست. از آن‌جا که فلسفه فرهنگ متصدی مطالعه عقلانی فرهنگ است، می‌تواند در شمار دانش‌های فلسفی قرار گیرد. روش تحقیق در فلسفه فرهنگ، عقلانی و رویکرد مطالعاتی آن فراتر و قضوتی و مسائل آن، احکام کلی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است. مسائل فلسفه فرهنگ، احکام کلی شامل مباحث هستی‌شناختی، گونه‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، روش‌شناختی، قاعده‌شناختی فرهنگ است (رشاد، ۱۳۹۰: ۶-۴).

بر این مبنا، رویکردی نو در حوزه هستی‌شناسی فرهنگ ارائه می‌شود که بر اساس معرفت‌های نوینی بر پایه رویکرد «تصویرپردازی از آینده» حاصل شده است. این گونه استدلال در حوزه هستی‌شناسی فرهنگ، در تدوین آینده‌های ممکن و محتمل کاربرد دارد. عناوین اصلی مبانی فلسفی فرهنگ عبارتند از: کل‌نگری، ارزش‌بنیان و آینده‌سازی، پایداری و پویایی، انسان‌محور و جامعه‌زا بودن، تفاوت در فرهنگ‌ها، تنوع فرهنگی، و رویکرد پیوند مکان-فرهنگ.

مفهوم اولیه که از فرهنگ ارائه شد، مفهومی ساده بود که در صورت جست و جو برای توسعه لایه‌های فرهنگ و ارتباط عملی در برنامه‌ریزی، با نگاهی آینده‌پژوهانه تدوین شده است. این مفهوم از نظر فلسفی منسجم و از سه عنصر اصلی تشکیل شده است: الف- فرهنگ به عنوان «شیوه زندگی کل جامعه» که در برگزیده «اصول رفتار، پوشش، زبان، آداب و رسوم مذهبی، هنجارهای رفتاری و باورها» است (Young, 2008).

ب- فرهنگ در زمینه‌های تاریخی و میراث فرهنگی ناملموس در نظر گرفته می‌شود.

ج- فرهنگ در ارتباط با محیط، میراث فرهنگی ملموس و

شهری باید مورد توجه قرار گیرد. برای عملیاتی کردن این رویکرد نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده، با نگاهی آینده‌پژوهانه هستیم. لذا تحقیق حاضر به دنبال بررسی رابطه فرهنگ و برنامه‌ریزی است تا ابعاد تأثیر آن را بر شهر تحلیل کند.

ماهیت فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای است که کاربردهای زیادی دارد، به این دلیل که برای توصیف چیزهای بسیار متفاوتی به کار برده می‌شود. این امر ممکن است به سردرگمی بزرگی منجر شود. چنین وضعیتی نیازمند آن است زمانی که درباره «فرهنگ» صحبت می‌کنیم، باید به طور دقیق روشن کنیم مفهوم فرهنگ در نزد ما به چه معناست (Abraham, 2010). در ادامه به مبانی هستی‌شناسی فرهنگ پرداخته می‌شود، این مبانی فلسفی و هستی‌شناسانه بر مبنای سؤالات زیادی که در ذهن ایجاد و همواره در پاسخ به آن‌ها با کلماتی مانند، مبهم، بی‌نهایت و ... قرار داده می‌شود، و یا مباحثی که «امر مسلم»، «امر بدیهی» و «امر طبیعی» فرض می‌شود تبیین شده است. هر آن چه که به مثابه امر مسلم، بدیهی یا طبیعی به ما عرضه می‌شود، به نوعی، محصول انباشتگی زمانی در مکان است. لذا نیازمند شفاف‌سازی ماهیت و تعریف فرهنگ است.

ماهیت برنامه‌ریزی

ماهیت برنامه‌ریزی با عمل اجتماعی بیش‌ترین ارتباط را دارد. برایشناخت واقعیت، نیازمند کنش با پدیده‌های اجتماعی هستیم. در تبیین جایگاه نظام برنامه‌ریزی در ایران و ارتباط آن با چرایی و جایگاه توسعه در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته می‌توان در گام اول به عنوان مصداق عملی برنامه‌ریزی اشاره نمود. ریشه این واقعیت اجتماعی در حوزه برنامه‌ریزی را در چند دهه گذشته می‌توان در مبانی اقتصاد سیاسی کشور و به عبارتی اتکای مدیریت کشور به اقتصاد نفتی جستجو نمود.

برنامه‌ریزی، متأثر از تحولات چند دهه اخیر و پافشاری بر گرایش‌های مبتنی بر جنسیت، قومیت و منطقه‌گرایی و طرح ایده‌های نظری جدید در علوم اجتماعی در وضعیت آشفته‌ای قرار دارد. در تبیین آینده برنامه‌ریزی شهری در ایران به اعتبار آن که با پیچیده‌ترین پدیده هستی یعنی «شهر» سرو کار دارد، بسنده کردن به معنای تجربی علم، به معنای نادیده گرفتن و بی‌توجهی به مبانی ارزشی و فرهنگی جامعه است. با این مبانی، برنامه‌ریزی موضوعیت و کارایی بیش‌تری پیدا می‌کند. در ادامه، هدف نظریه برنامه‌ریزی در شرایط کنونی می‌تواند، ورود مبانی ارزشی و فرهنگی و تجربه‌ای مرتبط با آن در این حوزه و کاربردی کردن و انتشار نتایج آن باشد که منجر به تبیین عمل اجتماعی برنامه‌ریزی در حوزه عدالت اجتماعی و توجه به نقش انسان در این عرصه می‌گردد (اقوامی مقدم، ۱۳۸۹: ۷).

لذا برنامه‌ریزی نیازمند جایگاه جدیدی (Harvey, 2003)؛ Young, 2008؛ فاضلی، ۱۳۹۱) است. حوزه برنامه‌ریزی در اشکال آزمایشی و تفکر راهبردی قابل طبقه‌بندی است. لذا جستجو

چشم انداز فرهنگی در نظر گرفته می شود (Young, 2008).

با این وجود، اکنون جا دارد از تعریف ساده ارائه شده با بیان یک هستی شناسی عمیق تر از فرهنگ دفاع شود. این هستی شناسی نشانگر منابعی است که این تعریف لایه ای و آینده نگرانه از آن گرفته شده است و باید بتواند به مسائل فلسفی مهم که به ماهیت فرهنگ مربوط می شود و به واسطه بود یا نبود میراث طبیعی ایجاد می شود، پاسخ دهد. یکی از مباحث مهم در حال حاضر در این خصوص این است که تا چه حد می توان تصور کرد که محیط طبیعی (کالبد) در گذر زمان بر فرهنگ تأثیر دارد.

آینده پژوهی^۲، شاخه ای از علوم انسانی است که با ویژگی های انسانی جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد. از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده پژوهی دانشی ارزش بنیان است (Malaska, 2003: 13) و ارتباطی دو سویه با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت ها دارد. ارتباط فرهنگ و آینده پژوهی مستلزم توجه به فضای کالبدی بر مبنای سطح تحلیل شهر در جهت تدوین الگوهای اسلامی-ایرانی است.

ارزش، به عنوان مطلوبی که در زمان حال منجر به آینده سازی می شود، عامل پیونددهنده حال به آینده است که در بطن فرهنگ وجود دارد و به عنوان مفروضه پایه ای این رویکرد هستی شناسی فرهنگ طرح می شود. در مفهوم شناسی زمان در هستی شناسی فرهنگ، به عنوان عاملی مستقل در نظر گرفته می شود که در محدودیت مادی عمل می نماید. خارج از این عالم مادی، ماهیت زمان متفاوت است، و علت آن کمتر بودن محدودیت ها است. (Binti Wan Zakaria, 2010)

الگوی سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده

مفهوم «فرهنگی سازی» و «سیستم فرهنگی شده» نشانگر ارزش مطالعات برنامه ریزی و به کارگیری برنامه ریزی در جوامع است. از طریق در کنار هم قرار دادن اصول برنامه ریزی و فرهنگ و شکل دهی یک رابطه سودمندتر، ارزش شناخته نشده فرهنگ می تواند به تغییر ساختار برنامه ریزی کمک کند. در این جا برای رسیدن به این منظور، الگوی برنامه ریزی مبتنی بر فرهنگ و «سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده» (Young, 2008) بررسی و تحلیل شده است.

منظور از واژه جدید، فرهنگی سازی^۳ استفاده بازتابی^۴، انتقادی، اخلاقی و به کارگیری فرهنگ در برنامه ریزی شهری و منطقه ای و نیز در برنامه ریزی راهبردی غیر فضایی^۵ است. خوش بینی اجتماعی در حیطه فرهنگ امری بسیار مهم است. ویژگی های عمیق و مؤثر فرهنگ نیز کمتر در معرض تأثیرپذیری از دست کاری سیاست های رسانه ای قرار داشته و بر این اساس، فرهنگ می تواند به عنوان مبنایی برای برنامه ریزی قاطعانه تر^۶ قرار گیرد. این نوع برنامه ریزی می تواند انگیزه ای برای مشارکت جوامع باشد؛ زیرا عملکردی است که از طریق آن جوامع آسان تر مورد شناسایی

قرار می گیرند (پیشین). از نظریه ها، اصول، شناخت ها و مثال های برنامه ریزی زیادی در روند طرح سیستم فرهنگی شده استفاده شده است که منابع زیر را در بر می گیرند:

۱. نظریه فرهنگی،
 ۲. نظریه برنامه ریزی؛ (ساندر کوک ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶، طرح پست مدرن)؛ هیلی (استفاده از مواد زیباشناختی)^۷؛ هایدن (ارزش حافظه عمومی و چشم انداز)؛ لاندردی (جعبه ابزار و خلاقیت)؛ هاکز (ستون چهارم پایداری))،
 ۳. دیدگاه متون مربوط به اصلاح برنامه ریزی، شهرسازی و ایجاد خلاقیت (براتی، ۱۳۹۰؛ Young, 2008)،
 ۴. شیوه های کنترل^۸ و نظارت بین المللی، سیاست گذاری توسعه و برنامه ریزی جهانی،
 ۵. رویکردهای کنونی برنامه ریزی راهبردی،
 ۶. رویکرد آینده پژوهی (kusat 2011).
- منابع گسترده و متنوع در نظام برنامه ریزی فرهنگی شده در جدول شماره ۱ آمده است. این منابع در برگزیده موارد طرح شده در بالا هستند.

جدول شماره ۱: نهادهای پشتیبان نظام برنامه ریزی فرهنگی شده

سطح تحلیل	سیاسات نظارتی	شیوه های جهانی
بین المللی	بانک جهانی - یونسکو WCC، دستور کار ۲۱ منشورهای بین المللی	برنامه ریزی راهبردی توسعه پایدار
ملی	سازمان های تجاری و مردم نهاد دولت	مدیریت محل دو- فرهنگی رصد فرهنگی، بازاریابی مکان
شهر	دولت محلی	مدل نقشه فرهنگی راهبرد گردشگری فرهنگی

شکل دهی جدید برنامه ریزی شهری بر پایه رویکرد برنامه ریزی فرهنگی شده و آینده پژوهی

برنامه ریزی شهری تا کنون توانسته است در فرایند مقابله با چالش ها و مسائل جامعه، مراحل تکاملی را در پیش رو داشته باشد. موضوع هایی مانند تخریب گسترده محیط زیست، رشد ناهمگون شهرها و گرمایش زمین از مصادیقی هستند که نیاز به همگرایی برنامه ریزی شهری و آینده پژوهی را ضروری می نمایند. لذا هدف اصلی آینده پژوهی بهبود آزادی و سطح رفاه بشر و افزایش امید به آینده ای مطلوب است (Bell, 2003: 45). شرایط موجود شهرهای کشور، وضعیت خطرناکی است. لذا برنامه ریزی شهری در کشور نیازمند بازنگری است. چرا نسخه موجود امکان حل مشکلات و مسائل را ندارد. بنابراین با وجود روند تکامل برنامه ریزی شهری و برخی دستاوردها ضرورت توجه به رویکردهای جدید مانند، برنامه ریزی فرهنگی شده و آینده پژوهی اهمیت افزون تری یافته است.

بومی سازی آینده پژوهی بر پایه فرهنگی سازی برنامه ریزی در جامعه

رویکرد بومی سازی مبتنی بر پرداختن به موضوع ها و مسائل خاص هر جامعه است. حال آن که مهم تر از آن ایجاد مبانی معرفتی و روش شناختی است تا حل این مسائل در جامعه بومی گردد. به عبارتی، بر پایه مباحث جامعه شناختی و ارزشی هر جامعه ای نیاز به دانش بومی ضرورت می یابد. از این طریق مسائل خاص هر جامعه با تحلیل عمیق تر و پایدارتر حل می شود. با توجه به این که در حوزه آینده پژوهی مبانی معرفتی و روش شناختی به عنوان مبدأ ورودی حل مسائل و مشکلات با رویکرد آینده محور مد نظر قرار می گیرد، لذا رهیافت بومی سازی آینده پژوهی منطبق بر ورود مبانی ارزشی، فرهنگی در درون متن برنامه ریزی تحقق می یابد، و بر اساس این رهیافت، هم مسائل و مشکلات در جامعه حل می شود و هم مبانی معرفتی و روشی تولید می شود که منجر به بومی سازی الگوها، مدل ها، روش ها و فرایندهای آینده پژوهی می گردد. در حوزه کنش با واقعیت های اجتماعی، بومی سازی آینده پژوهی بر اساس فرهنگی سازی برنامه ریزی تحقق می یابد. در جامعه اسلامی - ایرانی مبانی ارزشی از جایگاه و قوت بالایی برخوردار است. مبانی معرفتی فرهنگ که بر آن تأکید شد، در صورت شناخت صحیح و پیاده سازی مناسب در نظام برنامه ریزی به عنوان نیروی محرک و پیشران فرصت ساز عمل خواهد نمود.

تحقق برنامه ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده پژوهی از طریق کنش با واقعیت های اجتماعی

نظریه ها و مشاهده های علمی تحت تأثیر ذهنیت مشاهده گر است و ذهنیت مشاهده گر نیز از محدودیت عالم هستی، مکان و فضا تأثیر می پذیرد. این دو تأثیر در کنش با واقعیت های اجتماعی امکان نمود پیدا می کند. در شیوه های استدلالی کنونی امکان شناخت منشاء تأثیر بر عالم هستی مادی و کنترل آن مهیا نیست، ولی از طریق تعامل با پدیده های اجتماعی می توان به بخشی از نتایج مورد نظر دست یافت. بنابراین مشاهداتی که علم بر اساس آن شکل می گیرد، به ذهنیت انسان و ابعاد مکانی وابسته است؛ به عبارتی ذهنیت های شکل گرفته به خصوص در عرصه های اجتماعی از تنوع و تفاوت هایی برخوردار هستند.

در این میان برنامه ریزی، بیش ترین تعامل را با عرصه عمل اجتماعی دارد. ورود مبانی حوزه انسان و مکان در عرصه برنامه ریزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ به عبارتی، برنامه ریزی فرهنگی شده تفاوت های نگرشی و کالبدی را مد نظر قرار می دهد و ارتباط تنگاتنگ با آینده پژوهی و توسعه پایدار را در درون خود دارد. مرتبط ترین عرصه با این مباحث حوزه برنامه ریزی شهری است.

روش ها و مبانی آینده پژوهی متناسب با برنامه ریزی فرهنگی شده شهری

ارائه چشم اندازهای نو بر مبنای روش های آینده پژوهی در حوزه

برنامه ریزی فرهنگی شده شهر در سطح تحلیل شهر و ملی مد نظر است. در مطالعات آینده پژوهی تلاش های بسیاری برای مواجهه پیش دستانه با آینده در تصمیم گیری ها شده است. رویکردها و روش های انتخاب شده در این باره عبارت هستند از: روش تحلیل ذی نفعان، روش نقشه فرهنگی، روش دیده بانی و رصد فرهنگی، روش علائم ضعیف، روش سناریو، و روش چشم انداز.

این رویکردها و روش ها به عنوان ورودی فرایند تحقیق هستند؛ روش هایی که بیش ترین تناسب را با برنامه ریزی فرهنگی شده داشته و مورد استفاده قرار گرفته اند. در ادامه بر مبنای روش مدل سازی ساختاری تفسیری، روابط میان این روش ها بررسی خواهد شد، و در نهایت الگوی فرایندی سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده پژوهی پیشنهاد می شود. دانش بشری برای برنامه ریزی فرهنگی در جامعه روش های متعددی را خلق و استفاده کرده است. این روش ها و رویکردها بر مبنای امکان استفاده آن ها در سیستم فرایندی بررسی و تحلیل می شوند و زیرفرایندهای مناسب برای استفاده در این سیستم فرایندی تعیین می شوند. هدف این بخش، بررسی کامل روش ها نیست، بلکه هدفمندانه به مفاهیم می پردازد.

مراحل تدوین الگوی فرایندی سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده پژوهی

یافته های حاصل از مدل سازی ساختاری - تفسیری، تبیین جایگاه جدید سیستم فرایندی برنامه ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده پژوهی است که برای این امر مهم ترین کار، خلق الگوی فرایندی است. در ادامه، این الگوی ارائه شده است. بعد از بررسی هر کدام از رویکردها، تحلیل تجمیعی و پایانی در سه گام خلاصه شده است.

* این تحلیل به فرایندهای فرعی رویکردهای بررسی شده پرداخته و مشخص می کند هر کدام از رویکردها به چه مسائلی می پردازد و موضوع محوری هر کدام چیست؟

* لزوم ترکیب آن ها در فرایندی جامع و نقاط قابل تکمیل رویکردها پرداخته می شود. وقتی تمام روش ها و رویکردهای مورد بررسی در کنار هم و با هم قرار می گیرند، نقاط قابل استفاده و نقاط قابل تکمیل هر کدام بیش تر و بهتر قابل شناسایی هستند.

* کسب ایده های محوری از رویکردهای مختلف برای سیستم فرایندی برنامه ریزی فرهنگی شده.

با استفاده از مدل سازی ساختاری تفسیری، پاسخی اولیه به دست می آید که آن را باید در عرصه عمل به کار بست تا نقاط مبهم و ضعف احتمالی آن روشن شود. گام های تدوین الگوی سیستم فرایندی چنین است:

۱. شناسایی و تعریف اجزای تشکیل دهنده سیستم فرایندی،
۲. تعیین رابطه بین اجزای سیستم (معناداری، تقدم و تأخر)،

جدول شماره ۲: شناسایی و تعریف عوامل تأثیرگذار بر الگوی سیستم فرایندی

۱. شناسایی و تحلیل ذی‌نفعان	هدف این فرایند شناخت ذی‌نفعان، دسته‌بندی و تعیین مشخصات ذی‌نفعان (قدرت، مشروعیت و فوریت و ...) و اهمیت تقاضاهای ذی‌نفعان مختلف است. اگر فرایند فرعی تحلیل ذی‌نفعان به درستی صورت گیرد، می‌توان در گام‌های بعدی، مشارکت شهروندان و مسئولیت‌پذیری را بالا برد.
۲. تعیین محدوده مکانی - زمانی	در این فرایند، محدوده مکانی، با توجه به ارتباط گسترده و معنی‌دار با مؤلفه فرهنگ مد نظر قرار گرفته است. محدوده زمانی (افق زمانی) و محدوده مکانی بر مبنای نقشه فرهنگی شهر قابل تحلیل است.
۳. تدوین نقشه فرهنگی شهر	برای تدوین نقشه فرهنگی شهری، روش‌های متعددی ذکر شده است در این روش، توجه به بعد فضا-مکان با رویکرد تحلیل شبکه‌ای و رویکرد ارزش مبنای ضروری است (موذن جامی، ۱۳۸۹)
۴. برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری	بعد از تدوین نقشه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری با بررسی صحت، اعتبار، ارتباط نقشه فرهنگی با محدوده زمانی و مکانی اطمینان حاصل کند که برنامه‌های شهری تدوین شده مناسب و به دنبال توسعه پایدار و شهر خلاق با نگاه فرهنگی و آینده‌پژوهی هستند.
۵. پیوست فرهنگی	سندی است شامل مطالعات فنی و کارشناسی که مبین پیش‌بینی و اعمال الزام‌ها و استانداردهای فرهنگی در هر نوع طرح، تصمیم و اقدام کلان اقتصادی، سیاسی، حقوقی - قضایی، اجتماعی و فرهنگی متناسب با مقتضیات و شرایط جامعه است. به عنوان مقدمه و پیش‌نیاز استقرار برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری است، که اولویت‌ها را مورد بررسی ویژه قرار می‌دهد.
۶. سیاست‌گذاری فرهنگی (شهری - ملی)	سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر عملکرد هر نهاد اجتماعی در امور فرهنگی استیلا دارند. به این اعتبار منظومه‌ای سازمان‌یافته از اهداف نهایی دراز مدت، میان‌برد، قابل‌سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد.
۷. تجویزها؛ (شناسایی مؤلفه‌های و محورهای اصلی)	بر مبنای سیاست‌گذاری فرهنگی باید تدوین تجویزهای کارآمد معطوف به تغییر اجتماعی باشد؛ به عبارتی در این مرحله جمع‌بندی سطح تحلیل شهر بر مبنای شناسایی مؤلفه‌ها و محورهای اصلی می‌تواند به عنوان ورودی رصد فرهنگی مدنظر قرار گیرد.
۸. دیده‌بانی و رصد فرهنگی	رصد فرهنگی، مطالعه مسائل و پدیده‌های فرهنگی از دید تغییر فرهنگ است. رصد فرهنگی، یافتن مسائل فرهنگی، مطالعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای موجود، در حال ظهور یا رو به رشد و در حال زوال و تغییر است. رصد فرهنگی به عنوان پیونددهنده سطح تحلیل شهر به ملی در نظر گرفته شده است.
۹. شناسایی علائم ضعیف	علائم ضعیف در واقع علائم مربوط به پدیده‌ای است که به طور نسبی کمتر معلوم است. به طور ضعیف احساس می‌شود و یا این که به طور ناچیز توزیع شده است. علائم ضعیف، علائمی کیفی هستند که برای درک آن‌ها باید به تقویت این علائم پرداخت. یکی از نتایج رصد فرهنگی شناسایی و تقویت علائم ضعیف در سطح تحلیل ملی است.
۱۰. شناسایی روندهای و پیش‌ران‌های فرهنگی	در بیش‌تر تحقیقات مرتبط با آینده، اولین بخش از فعالیت مطالعه آینده را تشکیل می‌دهد. روند عبارتست از تغییرات منظم، مستمر و یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه زمانی. این تغییرات ممکن است به شکل کیفی یا کمی باشد.
۱۱. تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور	نقشه مهندسی فرهنگی کشور با طی گام‌های چهارگانه تهیه و تدوین می‌شود: ۱- تدوین و تصویب چشم‌انداز فرهنگی کشور، ۲- مهندسی فرهنگ کشور، ۳- مهندسی فرهنگی کشور، ۴- مدیریت راهبردی فرهنگی کشور. مراحل رصد فرهنگی و نقشه فرهنگی شهر در فرایند ترسیم‌شده پیش‌نیاز نقشه مهندسی فرهنگی کشور است.
۱۲. خلق سناریوها	برای خلق سناریوها، روش‌های متعددی ذکر شده است اما فصل مشترک تمام روش‌ها، این است که آینده‌های چندگانه متعددی که پیش روی قرار دارد به صورت منظم و شفاف، صورت‌بندی می‌شود.
۱۳. ارزیابی سناریوها	بعد از خلق سناریوها، فرایند فرعی ارزیابی سناریوها به این موضوع می‌کوشد که با بررسی صحت، اعتبار، ارتباط سناریو اطمینان حاصل کند که سناریوهای طراحی شده مناسب هستند.
۱۴. تدوین چشم‌انداز ملی فرهنگی شده	یکی از ورودی‌های تدوین چشم‌انداز ملی توسط سیستم فرایندی ایجاد می‌شود و استفاده از این الگو منجر به تدوین چشم‌انداز ملی فرهنگی شده می‌شود.
۱۵. اقدامات شکل‌دهنده و کنترلی	اقدامات شکل‌دهنده، اقداماتی هستند که امکان رخداد آینده مطلوب را افزایش می‌دهند و اقدامات کنترلی اقداماتی هستند، که امکان رخداد آینده نامطلوب را کاهش می‌دهند. اقدامات شکل‌دهنده و کنترلی می‌توانند برای تأثیر بر خطاها، پیامدها و مفروضات طراحی شوند.

۳. تبیین تعامل بین اجزای سیستم توسط خبرگان بر مبنای پرسش نامه طراحی شده، بر اساس تکنیک الگوسازی ساختاری-تفسیری،

۴. تعیین ماتریس مجاور، که حاوی اطلاعات لازم در مورد اجزاء، روابط میان آن‌ها و ساختار نموداری سیستم است،

۵. محاسبه ماتریس دسترسی بر مبنای نظریه اولر،

۶. افزایش سیستم فرایندی به سطوح مختلف، در جهت شفاف سازی نقش هر یک از اجزای تشکیل دهنده و تعامل طرفین آن‌ها (حداد حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۷).

شناسایی و تعریف اجزای تشکیل دهنده الگوی فرایندی سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده

در ابتدا رویکردهای منتخب مورد بررسی قرار گرفتند و سپس موضوع محوری و فرایندهای تأثیرگذار هر کدام مشخص شدند، در ادامه این فرایندها برای تبیین سیستم فرایندی ارائه شده بررسی و تحلیل شده‌اند.

بعد از بررسی و تحلیل رویکردها و روش‌ها و فرایندهای فرعی این رویکردها، سرانجام ۱۵ فرایند فرعی استخراج شده‌اند که بوسیله پرسشنامه روابط پیش‌نیازی و تقدم و تاخر منطقی آنها را مشخص شده است. نقش خبرگان تعیین روابط پیش‌نیازی و تقدم و تاخر است. در ترکیب این روش‌ها و رویکردها با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری عناصر و مؤلفه‌های مختلف سیستم بر اساس رابطه تعریف شده در نظمی منطقی، به تصویر کشیده می‌شود.

تعیین رابطه محتوایی (بافتاری) بین اجزای مدل

پس از انتخاب عوامل و اجزای تشکیل دهنده مدل، تعریف یک یا چند رابطه محتوایی (بافتاری) بین اجزای آن ضروری است. رابطه بافتاری یعنی ارتباط مفهومی بین اجزای متشکل الگو، به گونه‌ای که از نظر معنا و محتوا متناسب با اهداف سیستم فرایندی باشد. در این تحقیق رابطه بین فرایندها از نوع رابطه تعریفی و زمانی است. بدین معنا که خبرگان باید نظر بدهند که فرایند فرعی a تقدم زمانی دارد یا برای فرایند فرعی b ضرورت دارد، یا خروج فرایند a ، ورودی فرایند b است.

تشخیص تعامل بین اجزای مدل

تشخیص تعامل میان اجزای سیستم توسط خبرگان انجام شد. هر کدام از خبرگان پرسشنامه‌ای را تکمیل کردند که بر اساس آن تعیین می‌شد که از نظر آنان بین هر دو فرایند فرعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ خبرگان می‌توانستند از چهار نماد استفاده کنند که هر نماد یک معنای خاص دارد:

* V به معنای تقدم فرایند فرعی a بر فرایند فرعی b ،

* A به معنای تقدم فرایند فرعی b بر فرایند فرعی a ،

* X به معنای هم‌زمانی فرایند فرعی a و b ،

* O به معنای عدم ارتباط فرایند فرعی a و b .

محاسبه ماتریس دسترسی (قابلیت دست‌یابی)

پس از تشکیل ماتریس ساختاریافته خودتعاملی، باید ماتریس قابلیت دست‌یابی تدوین شود. بدین ترتیب که به جای درایه‌های V, A, X و O به ترتیب $1, 0, 1$ و 0 قرار داده و به جای درایه‌های متناظر آن‌ها در قطر پایینی به ترتیب $0, 1, 0$ قرار می‌گیرد. هم‌چنین تمامی درایه‌های قطر اصلی این ماتریس برابر با یک است.

پس از تشکیل ماتریس قابلیت دست‌یابی اولیه، سازگاری درونی یا میزان انتقال‌پذیری آن باید کنترل و بررسی گیرد. بدین منظور دو رویکرد در این باره وجود دارد. در این پژوهش از رویکرد دوم، استفاده از قوانین ریاضی، استفاده شده است. در این روش ماتریس قابلیت دست‌یابی اولیه را به توان $k+1$ می‌رسانند، به طوری که K عددی بزرگتر یا مساوی 1 باشد. هم‌چنین عملیات به توان رساندن باید طبق قاعده بولن صورت گیرد. در این پژوهش k برابر 3 است.

تعیین اولویت و سطوح عوامل

به منظور تعیین سطوح عوامل باید مجموعه‌های دست‌یابی و پیش‌نیاز برای هر یک از عوامل ایجاد گردد. سپس عناصر مشترک این دو مجموعه استخراج شود. عواملی که مجموعه‌های دست‌یابی و مشترک‌شان یکی باشد، بالاترین سطح را به دست می‌آورند. پس از حذف این عوامل فرایند فوق تکرار می‌شود تا در نهایت، تمامی عوامل، سطح‌بندی شوند. بر اساس نتایج، عوامل در 8 سطح تقسیم‌بندی شدند.

جدول شماره ۳: ماتریس دسترسی نهایی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲
۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳
۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۴
۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵
۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱۲
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱۳
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱۴
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱۵

جدول شماره ۴: جدول تناوب اول

جزء	مجموعه متأخر	مجموعه متقدم	مجموعه مشترک
۱	۱۵-۱	۱,۲	۱,۲
۲	۱۵-۲	۱,۲	۲
۳	۱۵-۳	۱,۲,۳	۳
۴	۱۵-۴	۱,۲,۳,۴,۵	۴,۵
۵	۱۵-۴	۱,۲,۳,۴,۵	۴,۵
۶	۱۵-۶	۷-۱	۶,۷
۷	۱۵-۷	۷-۱	۷
۸	۱۵-۸	۹-۱	۸,۹
۹	۱۵-۹	۹-۱	۹
۱۰	۱۵-۱۰	۱۰-۱	۱۰
۱۱	۱۵-۱۱	۱۱-۱	۱۱
۱۲	۱۵-۱۲	۱۵-۱	۱۵-۱۲
۱۳	۱۵-۱۲	۱۵-۱	۱۵-۱۲
۱۴	۱۵-۱۲	۱۵-۱	۱۵-۱۲
۱۵	۱۵-۱۲	۱۵-۱	۱۵-۱۲

بعد از تعیین مجموعه متقدم و متأخر، هریک از اجزای سیستم براساس ماتریس دسترسی، اجزایی از سیستم که دارای این شرط باشد: $R(S_i) = R(S_i) \cap A(S_i)$ تعیین شدند. اجزای واقع در هر سطح، مجموعه متأخرشان با اشتراک مجموعه متقدم و متأخرشان برابر است. پس از تعیین اجزایی که این شرط را داشتند آن‌ها از جدول حذف شدند. مراحل قبل آن قدر تکرار شد که کلیه اجزای سطوح مختلف مدل مشخص شد. در تناوب اول، عناصر ۱۲ و ۱۳، ۱۴، ۱۵ به خاطر مساوی بودن دو مجموعه متقدم و اشتراک متقدم و متأخر یک لایه تشخیص داده شده و از جدول حذف شدند.

جدول شماره ۵: جدول تناوب هشتم

جزء	مجموعه متأخر	مجموعه متقدم	مجموعه مشترک
۱	۱-۲	۱,۲	۱,۲
۲	۲	۱,۲	۲

که عناصر ۱۲ به خاطر مساوی بودن دو مجموعه متقدم و اشتراک متقدم و متأخر آخرین لایه تشخیص داده شده و از جدول حذف شد. بر اساس سطح بندی مدل و روابطی که خبرگان تعیین کردند، ترسیم الگو فرایندی سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده پژوهی آمده است.

ترسیم الگوی سیستم فرایندی

برای رسم الگو و گراف جهت دار، به ازای هر درایه z_{ij} از ماتریس قابلیت دست یابی نهایی که مقدارش ۱ باشد، یک پیکان از عامل i به عامل j رسم می شود. شکل شماره ۱ نمودار نهایی را نشان

می دهد. در ادامه بر مبنای نتایج به دست آمده و افزودن بخشی از توضیح ها و فرایندهایی که برای ساده سازی حذف شدند و بر اساس اخذ نظر نهایی خبرگان، الگوی نهایی به شرح ذیل است.

طراحی الگوی فرایندی با استفاده از مدل سازی ساختاری تفسیری، پاسخی اولیه را فراهم می کند که تلاش شده بر مبنای مطالعات و نظر خبرگان نقاط مبهم و ضعف احتمالی آن برطرف گردد. تدوین الگو بر مبنای مسأله پژوهش کل نگرانه و در سطوح شهر، منطقه ای و کلان ملی است. شایان گفتن است که برای استقرار آن نیازمند پیش نیازها و ساختارهای جدید هستیم که می توان تغییرات در یک دهه گذشته جامعه شهری را نیز در این باره در نظر گرفت.

بین برنامه ریزی در سیستم برنامه ریزی شهری و منطقه ای با دیگر اشکال برنامه ریزی تفاوت هایی وجود دارد. ولی ما شاهد کاربرد یافته های این دو بخش در یکدیگر هستیم، که در این الگوی فرایندی به آن پرداخته شده است. به طور مثال، راهبرد توسعه شهر (CDS) و آینده نگاری منطقه ای، دارای وجه اشتراک با آینده است و از ماهیتی پیش فعال برخوردار است که کاملاً با فرایندهای کنترل توسعه و ارزیابی تأثیر اجتماعی و محیطی متفاوت است. گلیسون^۱ معتقد است که برنامه ریزی شهری و منطقه ای اثرات مکانی فعالیت اجتماعی و اقتصادی و تغییر محیطی را پیش بینی و کنترل می کند (Gleeson, 2000: 25).

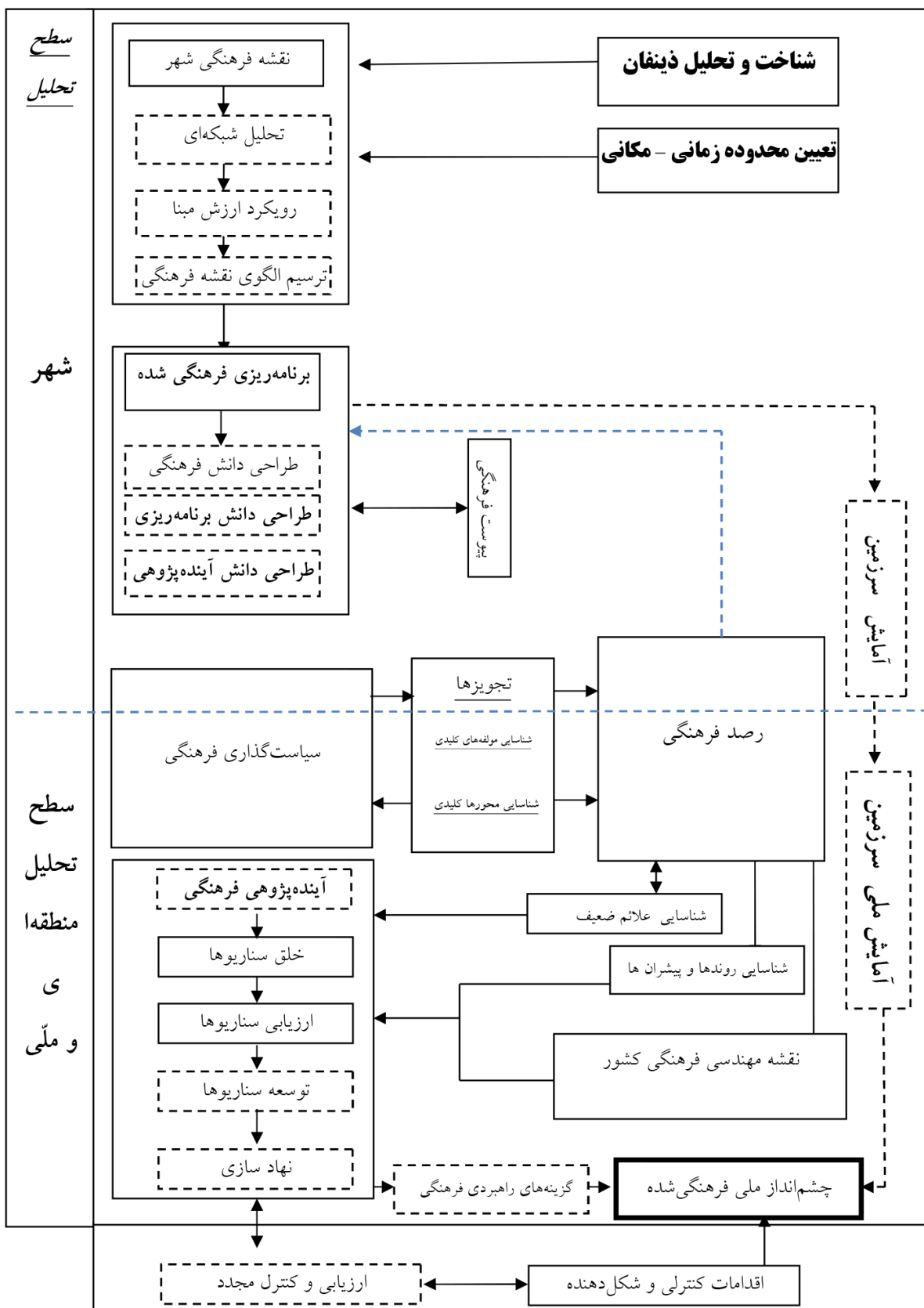
فرهنگ بر پایه تبیین آینده پژوهانه و چشم انداز محور زمینه بنیادی تمامی اشکال برنامه ریزی است. فرهنگ زمینه ساز اجتماعی، محیطی و تاریخی برنامه ریزی شهری و منطقه ای در مقیاس های محلی و منطقه ای است که گلیسون به آن ها اشاره می کند. در الگوی فرایندی ارائه شده، بر این مبنا ورودی چشم انداز ملی از دو منظر تأمین می گردد: بخش اول از حوزه نقشه مهندسی فرهنگی و به تبع آن نقشه فرهنگی شهرها و بخش دوم از مباحث آمایش سرزمین که جایگاه آن در الگو تبیین شده است. در صورت توجه و ترکیب این دو منظر در سطوح شهری و ملی ما شاهد تحول بنیادی در عرصه نظام برنامه ریزی کشور خواهیم بود.

کاربردهای الگو در حوزه های دیگر

ورود در حوزه روش شناختی آینده پژوهی منجر به ایجاد خلاقیت و نوآوری گردیده است. هر بخش از این مبانی تولید شده می تواند کاربردهای متنوعی داشته باشد. به طور مثال، بررسی عدم قطعیت در عرصه فرهنگ و برنامه ریزی، منجر به تبیین رویکرد پارادوکسیکال در حوزه تفکر راهبردی و برنامه ریزی سناریو شده است. با توجه به اهمیت مبانی معرفتی و روشی در عرصه آینده پژوهی شیوه حل مسأله در این پژوهش نیز از این جنس بوده که منجر به ایجاد درک عمیق گردیده است.

با توجه به رویکرد کل نگر در این عرصه، الگوی سیستم فرایندی می تواند به عنوان پیش نیاز تدوین و طراحی نظام ملی

شکل شماره ۱: الگوی نهایی سیستم فرآیندی برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی



آینده‌پژوهی تلاش شد، ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری بر مبنای عدم توجه به دو مؤلفه فرهنگ و آینده‌پژوهی (آینده‌سازی) مد نظر قرار گیرد و ارتباط و پیوند سطح تحلیل شهری، منطقه‌ای و ملی در گام‌هایی مشخص و تبیین گردد.

تحقق آینده‌پژوهی، نیازمند طی کردن گام‌هایی است. (Inayatul- lah, Sohail. 2007) گام اول شامل تدوین مبانی نظری، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی است، سپس راهبردهایی جهت گذار از وضع موجود به وضع مطلوب باید تدوین شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Interpretive Structural Modeling (ISM)
2. Futures Studies
3. Culturisation
4. Reflexive
5. Non-spatial

۶. این نکته بر مدت زمان برنامه‌ریزی نیز اشاره دارد که در حوزه‌هایی که زمان در حوزه برنامه‌ریزی بلندمدت در نظر گرفته می‌شود، رویکرد مبانی انسان‌شناسی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. ریشه‌های آینده‌پژوهی به محوریت انسانی آینده‌شناسی توجه دارد که در افق زمانی چشم‌اندازها را مد نظر قرار می‌دهد.

7. aesthetic materials
8. Governance
9. Proactive nature
10. Gleeson

فهرست منابع و مراجع

۱. اصغری‌پور، مجدمجواد (۱۳۸۲)، **تصمیم‌گیری گروهی و نظریه بازی‌ها با نگرش تحقیق در عملیات**، دانشگاه تهران، تهران.
۲. اقوامی مقدم، عارف (۱۳۸۹)، **آینده برنامه‌ریزی**، انتشارات آذرخش، پیشگفتار.
۳. خداداد حسینی، سید حمید و همکاران (۱۳۹۰)، «طراحی الگوی فرایندی تدوین راهبردی پا برجا در شرایط عدم قطعیت»، **فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی**، شماره ۵.
۴. رشاد، علی اکبر (۱۳۹۰)، «فلسفه فرهنگ»، **مجله راهبرد فرهنگ**، شماره ۱۳-۱۲.
۵. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، **فرهنگ و شهر**، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری با تکیه بر مطالعات شهر تهران، انتشارات تیسو و اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی تهران.
۶. مؤذن جامی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، **الگوی نقشه فرهنگی شهر تهران**، دانشگاه دفاع ملی، نشر شهر، چاپ اول، تهران.

7. Abram, S. (2010), Culture and Planning, Aldershot, Ashgate.
8. Bell, Wendell (2003), Foundation of Futures Studies: History, Purposes and Knowledge, Transaction Publishers.
9. Bianchini, F. (1999), cultural planning, town planning, in Creed, C.H.(Eds): social town planning, Rutledge, London.
10. Binti Wan Zakaria, F. (2010), Futures Studies in Contemporary Islamic and Western Thought, The University of Birmingham.

نوآوری فرهنگی و محصولات فرهنگی نیز قلمداد گردد. این الگو در حوزه آشتی آینده‌نگاری منطقه‌ای و برنامه‌ریزی شهری نیز گام برداشته است. با بینش ایجاد شده امکان ارائه الگویی کاربردی فراهم شده است. بر اساس مطالب ارائه شده نتایج در قالب طرح‌های اقدام و پیشنهاد به شرح ذیل است:

۱. رویکرد انتقادی به برنامه‌ریزی شهری و آینده‌نگاری منطقه‌ای،
۲. تبیین ضرورت آینده‌پژوهی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری،
۳. فرهنگ‌سازی به منظور ترویج و گسترش آینده‌پژوهی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری،
۴. پیاده‌سازی و استقرار فرایند آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی فرهنگی شده در شهر،
۵. تقویت ارتباط برنامه‌ریزی شهری و چشم‌انداز ملی از طریق آینده‌نگاری منطقه‌ای و آمایش سرزمین،
۶. جایگاه مبانی و آموزه‌های اسلام در خصوص برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری،
۷. طراحی نظام ملی نوآوری محصولات فرهنگی و تدوین نظام نوآوری ملی فرهنگی،
۸. ارتباط منسجم و پیوسته برنامه‌ریزی شهری با چشم‌انداز ملی از دو منظر آمایش سرزمین، رصد فرهنگی و نقشه‌مهندسی فرهنگی کشور،
۹. خلق الگوی رصد فرهنگی و شبکه ملی رصد فرهنگی.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین روند در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و ساختار مدیریتی شهر در ایران، عنصر آینده‌پژوهی فرهنگی شهری است، البته این رابطه دو سویه و تعاملی است. در تحلیل جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی در گام اول نیازمند توجه به مبانی روش‌شناختی و تدوین روش‌ها و الگوهای بومی هستیم که مبانی فرهنگ وارد ابعاد برنامه‌ریزی شود. بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده نیز نیازمند ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی هستیم. این ساختارها در ابعاد سطح کلان شامل تدوین نقشه‌مهندسی فرهنگی کشور و رصد فرهنگی بر مبنای مزیت‌های منطقه‌ای است. سطح تحلیل شهر نیازمند برنامه جامع با رویکرد آینده‌پژوهی است که نظام مدیریت شهری نیز باید با آن منطبق و چشم‌انداز شهر بر اساس مبانی سیستم فرهنگی شده تدوین شود. مشاهده می‌کنیم ورود در مبانی روش‌شناختی برنامه‌ریزی منجر به ایجاد و پیشنهاد الگوهای جدید و تغییرات ساختارهای اجرایی و ایجاد رویکردهای جدید می‌شود. ورود فرهنگ در متن برنامه‌ریزی در سطوح مکانی و مقیاس‌های مختلف زمانی می‌تواند منجر به ایجاد الگوی اسلامی- ایرانی گردد؛ این مبانی ارزشی و فرهنگ در برنامه‌ریزی منجر به ایجاد ضرورت رویکرد آینده‌پژوهی در جامعه می‌شود.

در الگوی فرایندی سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد

11. Charan, P., Shankar, R and Baisya, R.K. (2008) Analysis of interactions among the variables of supply chain performance.
12. Gleeson, B. (2000), 'Reflexive Modernisation: The Re-enlightenment of Planning?', *International Planning Studies* 5: 1, 117-135.
13. Harvey, D. (2003), 'Social Justice, Postmodernism and the City', in Cuthbert, (ed.).
14. Inayatullah, Sohail. (2007), *Questioning the Future (Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation)*, Tamkang University, 3th Ed.
15. Kuosa, Tuomo. (2011), *Practicing Strategic Foresight in Government*. S. Rajaratnam School of International Studies, Nanyang (Singapore).
16. Malaska, Pentti. (2003), *Futures and Penetration to the Futures*, Acta Futura Fennica, Helsinki.
17. Sage, A.P., (1977), *Interpretive Structural Modeling: Methodology for Large-Scale Systems*, McGraw-Hill, New York.
18. Sandercock, L. (2000). 'When Strangers Become Neighbours: Managing Cities of Difference', *Planning Theory & Practice*, 1(1).
19. Sandercock, L. (2006). 'Cosmopolitan Urbanism: A love song to our mongrel cities'. In J. Binnie, J. Holloway, S. Millington and C. Young *Cosmopolitan Urbanism*. London, Routledge.
20. Warfield, J. N. (1976), *Societal Systems: Planning, Policy, and Complexity*, Wiley Interscience, New York.
21. Williams, R. (1966), *Culture and Society, 1780-1950* (England: Penguin).
22. Young, G. (2008), *Reshaping Planning with Culture*, Ashgate, Aldershot.

